

دکتر شهریار نقوی  
اردیبهشت ۱۳۴۴

## شدهای از روابط ایران و پاکستان

پاکستان غربی که شامل وادی رودسند (مهران) میباشد و از نظر باستانشناسان دارای سوابق بسیار درخشان و تاریخ ممتد چندین هزارساله بوده و از کشورهای بسیار قدیم محسوب میشود از دیرزمان در اغلب ادوار تاریخی خود از نظر تحولات سیاسی و فرهنگی با ایران زمین همداستان بوده است. کتاب مقدس آریائی بنام «**ریگ ودا**» که در حدود ۱۲۰۰-۱۵۰۰ سال پیش از میلاد مسیح در سرزمین پنجاب نوشته شده و دارای اسامی جغرافیائی و خدایان قدیم ایران است و همچنین زمزمه‌های وجد آفرین تمدن باستانی که ازلب هر خشت شهرهای مکشوفه سند و پنجاب بنام **موهن جو دار دوهریا و تیکیلا** و امثال آن میتوان شنید همین و موید علائق کهنسال پاکستان غربی با ایران میباشد. از زمان قدیم فعلا مدارك زیاد در زمینه روابط دو کشور در دست نیست ولی در قرن ششم قبل از میلاد پنجاب و بلوچستان در زمان کورش کبیر مؤسس خاندان هخامنشیان که در سالهای ۵۲۹-۵۵۸ ق.م حکومت میکرد بدست ایرانیان فتح گردید. داریوش کبیر تمام نواحی سند و پنجاب و وادی مهران را در بنه‌های تخت جمشید و نقش رستم جزو قلمرو خود میشمارد. جانشینان او نیز آن سرزمین را در سلطنت خود داشتند. در سلطه یونانیان پاکستان غربی در سر نوشت با ایران شریک و سیم بود. شاهان ساسانی بویژه اردشیر اول و شاپور اول بر نواحی پاکستان غربی حکم فرما بودند. در ادوار مختلف شهنشاهی ایران

از حیث دیانت و تمدن نیز وادی سند تحت تأثیر نظرات و روشهای ایرانیان قرار گرفته و بهمین علت آئین بودا، **میترا دماغی** در آن نواحی پیروان زیادی داشته و کیش مانی بیش از ایران در پاکستان رخنه و نفوذ پیدا کرده است. وجود سنگ نبشته‌ها، گذاشتن اجساد مرده‌ها در هوا که در شهر تیکیلا معمول بود و رواج رسم الخطی بنام خروستی که از رسم الخط آرامی ایرانی استخراج شد مؤید نفوذ افکار ایران قدیم در پاکستان میباشد بنا بر این میتوان گفت وادی سند از ایام کهن و دوران قدیم خود جز در ادوار سلطنت عده‌ای از سلاطین مانند راجکان خاندان «موریا» و «کشن» و شاهان باری و انگلیسی‌ها پیوسته با ایران هم سر نوشت بوده و علایق نزدیک این دو کشور بر بهم پیوستگی ریشه دار و محکمی بنا گردیده است.

اشاعه اسلام بوسیله مبلغین و متوفین ایرانی در سرزمین هند و پاکستان اهالی آن دیار را پیش از پیش با ایران مرتبط ساخت و زمینه بسیار مساعدی جهت توسعه زبان و ادبیات و هنر و دیانت ایرانی در آنجا بوجود آمد. در نتیجه تماس لشکر کشایان ترک و ایرانی که فارسی زبان و پرچمدار تمدن و فرهنگ ایران بودند با بومیان آن دیار وضع زندگی اهالی هند گراگون شد. فارسی زبان رسمی گردید و اثرات عمیقی در تمام زبانهای محلی شبه قاره بجا گذاشت. زبان اردو که امروز در تمام هند و پاکستان زبان عمومی مردم است و یکی از بزرگترین زبانهای زنده جهان بشمار میرود زائیده همین تماس ایرانیان با بومیان آن شبه قاره میباشد. شاهان ادب پرور و هنردوست و امراء دربار دهلی، سند، حیدرآباد دکن، گولکنده، بیجاپور، لاهور، لکنئو، کشمیر و غیره که اولاد آنان اکنون در پاکستان گرد آمده‌اند مری شعر و سخن و هنر ایران بودند و پروانه وار کرد شمع فارسی و آثار ارجمند ادبی ایران میگشتند. آنها علاوه بر اینکه عده زیادی از شعراء و نویسندگان ایرانی و فارسی گوی هند و پاکستانی را همواره مورد الطاف خسر وانه قرار دادند مساجد و آرامگاهها و کاخها، و باغهای متعددی را بنا نهادند که از حیث هنر و زیبایی در جهان شهرت بسزائی دارد.

در سال ۱۸۵۷ میلادی در باردهلی برچیده شد و آخرین تاجدار خاندان بابرین بهادر شاه ظفر که بفارسی وارد و شعر میگفت به شهر رنگون (برما) تبعید گردید و بدین ترتیب

شمع فارسی درمرکز بزرگ خود که درباردهلی بود کشته شد و آخرین شاعر فارسی گوی آن دربار میرزا اسدالله خان غالب بار دو گرائید. ولی زبان فارسی و ادبیات درخشان آن بر روح اهالی آن سرزمین حکم فرما بود لذا در دربارهای نوابان لکهنو و حیدرآباد دکن و راجگان متعدد دیگری که از روی شدت علاقه بفارسی حاضر به قطع علایق با آن نبودند و لذا پرچم آن در اهتزاز ماند و حتی تا ۳۸ سال قبل غلام قادر گرامی جالندهری که در سال ۱۹۲۷ میلادی فوت شد در حیدرآباد دکن بعنوان شاعر دربار میزیسته است علاوه بر او شعراء و دانشمندان عالیمقام نظیر شبلی نعمانی، الطاف حسین حالی، مولانا محمد حسین آزاد، سرسید احمد خان، سید سلیمان ندوی، حافظ محمود شیرانی، علامه محمد اقبال لاهوری و حتی شعرا و نویسندگان معاصر اردو مانند شادروان بابای اردو مولوی عبدالحق شبیر حسن جوش ملح آبادی، حفیظ جالمندهری، مرحوم پروفیسور محمد شفیع، پیر حسام الدین راشدی دامن فارسی را رهان ساخته و خدمات شایانی بادیات آن انجام داده و میدهند. بویژه علامه محمد اقبال پرچم فارسی را علیرغم نامساعد بودن اوضاع برافراشته و نام جاویدان و مقام بلند آن را حفظ نمود و در راه توسعه آن با تمام قوا کوشید.

بسال ۱۹۴۷ میلادی بمنظور حفظ میراث فرهنگی مسلمانان هندوستان که ثمره مساعی مشترك آنان و ایرانیان بوده کشور مستقلی بنام پاکستان بوجود آمده است جهت تشدید و تحکیم روابط فرهنگی دو کشور و رویهم انباشتن وسایل دولت در راه تحفظ و بهتر شناساندن تر که ذیقیمت علم و فرهنگ نیاکان و قهرمانان مشترك ادب و هنر لازم بنظر میرسد هر دو ملت بهتر و بیشتر بیکدیگر آشنا شوند و بهمین منظور در نظر گرفته شد بوسیله مجله وزین وحید بعضی از سخن سرايان معاصر فارسی گو و خدمت گذاران صدیق فارسی و ایران در پاکستان در اینجا معرفی شوند. آشنائی به نفوذ عمیق فارسی و ادبیات و هنر و فرهنگ ایران در مردم کشور بزرگ پاکستان معرف بسیار مؤثر بزرگوارى اجداد عالیمقام تمام افراد ایرانیست و بهمین علت باز گوئی این داستان نهایت ارزش و اهمیت را در بردارد.

### بازگواين قصه پارينه را

در پاکستان غربی لااقل چند صد هزار نفر از اهالی کوتیا و مستونگ و افراد

مرزنشین در لهجه‌های هزارا، قندهاری، کابلی، هراتی و مستونگی فارسی صحبت میکنند و جاهای دیگر آنکشور فارسی زبان تکلم مردم نیست اما در عین حال جمعیتی که در پاکستان بفارسی علاقه شدیدی دارد در مقابل خود جمعیت ایران چندین برابر است و این موضوع جالب در مقالات بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت. فعالدر اینجا اشاره باین امر لازم است که در حال حاضر اغلب شعرای معاصر اردو مانند جگر مراد آبادی، اختر شیرانی، دکتر عندلیب شادمانی، نیرو اسطی، صوفی غلام مصطفی تبسم، حفیظ هوشیار پوری، رئیس امر وهوی، اسد ملتانی، مولانا ظفر علیخان ظفر - سید انور علی شاد آغا صادق نقوی، مولانا غلامی، حسین کاظمی، امیر احمد میر، بانو نواب صدیق علیخان خانم ثریا سلیم، شیخ محمد ایوب، محمد گل بلوچ و امثال آنان که در فرصت دیگری معرفی خواهند شد بفارسی نیز شعر میگویند و کسانی که بیشتر بفارسی شعر می‌سرایند تعدادشان نیز زیاد است و بعضی از آنان بآثار شعری فارسی خود علاقه وافر داشته و در صد چاپ کلامشان برمی‌آیند در اینجا فعلا یکی از شعرای فارسی‌گوی معاصر پاکستان آقای دین محمد ادیب فیروز شاهی که در خدمتگذاری بفارسی و ادبیات ایران شهرت بسزائی دارد و سال گذشته (۱۹۶۴ میلادی) مجموعه اشعارش را در ۱۵۵ صفحه با کاغذ اعلی بعنوان «کلیات ادیب» در حیدرآباد سند (پاکستان غربی) بچاپ رسانیده است معرفی می‌گردد.

در مورد مولانا دین محمد ادیب که صاحب تالیفات متعددی بفارسی میباشد استاد سعید نفیسی در مجله فارسی «هلال» چاپ کراچی شماره زمستان ۱۹۵۶ میلادی در صفحه ۴۷/۸ زیر عنوان «مولوی در پاکستان» چنین مرقوم داشته‌اند:

«... در سراسر این کشور بزرگ و در میان این هشتاد میلیون نفر جمعیت هیچ کتابی بشهرت مثنوی مولانا نیست. در حیدرآباد سند پیر مرد خمیده، خوش سیما، با ریش سفید و چهره گیرا مولوی دین محمد ادیب فیروز شاهی یک دوره ترجمه منظومشش دفتر مثنوی مولانا را که بهمان بحر رمل بزبان سندی منظوم کرده است با کمال خضوع

و مهربانی بمن یاد گارداد...»

آقای غلام مصطفی قاسمی رئیس، شاموالی الله اکادمی (حیدرآباد سند) پیرامون شرح حال مولانا دین محمد ادیب در آغاز کلیات ادیب چنین مینویسد - (عین عبارات آقای قاسمی که نمونه ای از سبک نثر فارسی پاکستان میباشد در اینجا نقل میشود):

«بر دانشمندان و سخنوران مخفی نماید که سرزمین سند از دور جاهان سمه تا از منتهای ابتدائی تسلط انگلیس مرکز و مجمع بسیاری از سخن سرایان زبان فارسی بوده مقالات الشعراء تذکره شاعران فارسی گوی این سرزمین تألیف میرعلی شیر (قانع) تتوی (وفات ۱۲۰۳ هـ) که مشتمل بر احوال و اشعار هفتصد شاعر فارسی گو است و تکمله آن تألیف مخدوم محمد ابراهیم خلیل (وفات ۱۳۱۷ هـ) که محتوی بر احوال و اشعار هشتاد و یک تن سخن سرایان دیگر است دلیل وافی و شاهد راست بر ادعای ماست - اگر چه در دوره انحطاط ادب خاوری مانند سخنوران و سخن سنجان سابق کسی نمائده کمین شده از ذوق پارسی شاعری میدرخشید. سیدعلی گوهر راشدی، خواجه محمد سعید لواری و اله مولانا بهائی و مولانا محمد عاقل عاقلی و دیگر سخنوران اشعار فارسی را انشاء می کردند لیکن مع الاسف که تا هنوز کسی از زمره بزرگ شعرای متأخرین این مرز و بوم نگذشته که اثر وی مانند کلیات ادیب باقی مانده که حاوی بر ماده های تاریخ راجع به علماء و صلحاء و ادباء و دانشوران سند هم باشد و این سعادت در نصیب مولانا دین محمد ادیب فیروزشاهی بود که کتاب حاضر مسمی به کلیات ادیب انشاء فرمود. اطافت الفاظ و روانی سخن این کتاب را دیده بی ساخته بر زبان می آید که اگر مولانا ادیب سعدی سند، گفته شود مبالغه نباشد، «مولانا دین محمد ادیب در سال قمری ۱۴۱۴ هـ به شب آدینه بتاريخ پانزدهم شوال المکرم موافق بیست و یکم مارس ۱۸۹۷ م در قریه فیروزشاه تولد یافت. نام پدرش پاندهی قوم چنه از اولاد مخدوم پیروج (عبدالله) آج و اله هست . قریه فیروزشاه به سبب دارالعلوم اسلامیة که بنا کرده علامه عطاء الله است بسیار شهرت دارد. علامه عطاء الله فیروزشاهی منبع بزرگ علوم دینی و عقلی و مرجع اقام بود. ناظم

کلیات از اعزّه علما است - مولانا ادیب قرآن کریم و کتب ابتدائی پارسی را در این مدرسه تعلیم گرفت و در حلقه درس مولانا الهی بخش شامل شد. مولانا الهی بخش از اجله تلامذۀ مولانا شفیع محمد مسجدی است که در سندی و فارسی شعر میگفته. استاد او مولانا مسجدی نیز شاعر سه زبان سندی فارسی و عربی بودند. صحبت و تلمذ این شاعر بی عدیل و ادیب بی مثل طبع مولانا ادیب را آن قدر جلا بخشید که در طامبعلمی در پارسی و سندی شاعری میکرد. نزد مولانا الهی بخش از گلستان تاحفۀ الاحرار جامی و انشاء ابوالفضل خواننده بعده عربی شروع کرد و نصاب نظامی در سال قمری ۱۳۳۴ هـ در ماه شوال تمام کرد.

موفات مولانا ادیب: بقول آقای غلام مصطفی قاسمی مولانا ادیب فیروزشاهی در علوم مختلف ادب و دین تألیفات و تراجم متعددی دارد و شرح مختصر آن بقرار زیر است.

- ۱ - الشرف العلوم منظوم سندی ترجمه منظوم بزبان سندی از مثنوی مولوی رومی (چاپ شده) ۲ - چهره گشای مثنوی ترجمۀ رونمای مثنوی (شرح چهل بیت دیباچه مثنوی دو بار چاپ شده) ۳ - ترجمه منظوم اختتام مثنوی تمه دفتر ششم مثنوی تألیف مولانا الهی بخش کاندهلوی ۴ - مجموعه الأشعار فارسی حاوی ۸۰۰ شعر شعرای مختلف ۵ - نور علی نور، ترجمه سندی از خاتم الانبیاء در فن سیرت (شامل نصاب مدارس گردید و پنج بار چاپ شد) ۶ - علم اخلاق ترجمه سندی از یکی از تألیفات غزالی ۶ - ادعیه صبح و شام (سندی) ۸ - ترجمه سندی کشف المحجوب ۹ - کلید بهشت ترجمه سندی ۱۰ - بهشتی کوثر (سندی) ترجمه از بهشتی زیور تألیف مولانا تهاوی ۱۱ - علاج القحط والوبا ترجمه سندی ۱۲ - منع الانام (فارسی) و تراجم دیگر از فارسی و عربی

نمونه کلام: